

بخش دوم

فرمان یورش به کردستان به دستور شخص خمینی

(جنگ سه ماهه در کردستان 27 مردادماه - 26 ابان ماه 1358)



11 نفر از تیرباران شدهگان سنندج 5 شهریورماه 1358

بخش دوم

جنگ و مقاومت شدید در شهر سقز (2)

روز 28 مردادماه بعد از دومین اعلامیه ناگهانی خمینی به دلیل عدم آمادگی نیروهای مردمی و پیشمرگان کردستان و احزاب سیاسی ، شهر سنندج بدنبال درگیریهای پراکنده ای تسخیر و اشغال گردید .

نیروهای سرکوبگر و اشغالگر ارتش و پاسداران بعد از ظهر روز 29 مردادماه 1358 در کوهها و تپه های اطراف شهر سقز با مقاومت شدید پیشمرگان قهرمان و مردم خشمگین روبرو شدند . این مقاومت بمدت 5 روز ادامه داشت . مردم شهر سقز و روستاهای آن در این دفاع عادلانه حماسه های بزرگی از خود نشان دادند که در تاریخ مبارزات شان ثبت گردیده است . مقاومت انقلابی مردم سقز بدنبال یورش نیروهای اشغالگر که روز 29 مرداد شروع گردید تا روز 3 شهریورماه ادامه داشت و این بر عهده محققان ورزیده است که در این باره پژوهش کنند .

در ادامه مقاومت و جنگ خانمانسوز در شهر سقز ، ارتشیان و پاسداران با سلاحهای سنگین از زمین و هوا مناطق مسکونی شهر را بمباران کردند و عده بیشتری از مردم شهید شدند و خسارات فراوانی به اماکن عمومی و مردمی وارد آمد . بعد از 5 روز مقاومت دلیرانه و حماسه انگیز شهر سقز ، عصر روز جمعه 3 شهریورماه 1358 (24 اوت 1979) ستونهای ارتش و پاسداران شامل دههاتانک و صدها خودرو به پشتیبانی هواپیماها و هلیکوپترهای جنگی ، توانستند دروازه مقاومت مردم مسلح و پیشمرگان که شامل همه نیروهای جنبش مقاومت بودند را بشکنند و از پل شهر

عبورکنند. هرچند نیروهای مسلح مردمی و پیشمرگه‌ها برای دفاع از جان مردم به کوه‌های اطراف عقب نشینی کردند، اما قیام و مقاومت روزهای بعد در شهر سقز غرور و شخصیت معنوی و ملی آنها را در تاریخ مبارزاتشان به اثبات رسانده است.

فانتمهای جنگی از همان روزهای آغاز یورش مناطق مسکونی و کوه‌های اطراف و رودخانه شهر سقز را بمباران کردند و تلفات فراوانی به مردم و نیز به حیوانات اهلی و کشاورزی و طبیعت زیبای کردستان وارد کردند و زنان و بویژه مادران را مجدداً به گریه و زاری انداختند. ستاد ارتش در یک اطلاعیه تا 24 ساعت به مردم فرصت داد که سلاحهای خود را تسلیم کنند. * 18 - روزنامه کیهان 3 شهریور 1358 ص. 1 و 3 (25 اوت 1979)

رادیولندن در گزارش شامگاهی روز 26 اوت 79 گفت: «نیروهای دولتی شهر سقز را در کردستان بعد از نبردهای چند روز گذشته تصرف کردند. نیروهای دولتی اکنون بسوی شهر نبرد خیز مهاجد در حرکت هستند. یک واحد نظامی زرهی به 35 کیلومتری مهاجد رسیده است و در انتظار پیوستن گروههای امدادی هستند. قبلاً به نیروهای مقاومت کرد التیماتوم داده شده، که مهاجد را تخلیه کنند و در غیر این صورت نیروهای آنها را درهم خواهند شکست. به خبرگزاری اسوشیتد پرس گزارش شده که مهاجد آرام است و مغازه‌ها و بازار طبق معمول باز هستند. پس از سقوط شهر سقز عده زیادی از کردها به تپه‌های اطراف شهر گریختند. کردها اعلام کرده اند که در مقابل هر اعدامی یک پاسدار انقلاب را خواهند کشت.» * 19 - منبع خبر کیهان 5 شهریور 58 ص. 12 (26 اوت 1979 به نقل از رادیوی بی سی).

از سوی دیگر بنابه گزارش رئیس ستاد ارتش در چند روز گذشته یک هواپیمای جنگی و 3 فروند هلیکوپتر در سقز سقوط کرده اند قبلاً یک هواپیما و 2 هلیکوپتر کبری در گردنه‌های کوهستانی پاره سقوط کرده بودند * 16 - گزارش فرمانده ستاد ارتش

به گزارش خبرنگاری بی سی روز 1 شهریور ماه: «شیخ عزالدین حسینی در اعلامیه ای بمناسبت عید رمضان نیروهای دولتی را متهم به کشتار کردها و اعدام گروههای غیر نظامی کرده است و آنها را به مقاومت و اتحاد عمومی تشویق و دعوت کرده است.» از طرف دیگر دکتر قاسم لور هبر حزب دمکرات کردستان به خبرنگار رویتر گفته است: «که آماده مذاکره با مقامات دولتی است، اما مقامات دولتی به این پیشنهاد اعتنایی ندارند.» همچنین خبرنگاری فرانسه در تهران گفته است: «کردهای مقیم مرکز اعلام کردند که تماسهایی برای عادی ساختن اوضاع در مناطق کردنشین بین مقامات دولتی و کردها صورت گرفته است.» * 15 - روزنامه کیهان 3 شهریور ماه 1358 ص. 2 (25 اوت 1979 به نقل از رادیوی بی سی) (امادادستان کل انقلاب اذری قمی دستور داد که: «شیخ عزالدین حسینی، متین دفتری، مرزبان و قاسم لور تحت تعقیب قرار گرفته اند.» * اطلاعات 31 مرداد ماه 1358 ص. 1)

روز 2 شهریور ماه 1358 بمناسبت عید رمضان مردم بسیاری از شهرهای کردستان بنا بر درخواست ماموستا شیخ عزالدین حسینی در مساجد و اماکن عمومی و خیابانها گرد آمده و تظاهرات عمومی بر پا گردید و بر مزار شهدا رفتند آنها کشتار مردم و انقلابیون کرد را محکوم کردند. آقای عبدالرحمان قاسم لور مسئول حزب دمکرات کردستان در تظاهرات مردم مهاجد شرکت کرده و از بالکن شهرداری برای مردم سخنرانی می‌کند. او مردم را به مبارزه تشویق می‌کند و نیز اعلام می‌دارد که کشور بزرگ همسایه ما شوروی در پیشبرد مبارزه به ما کمک خواهد کرد.

تیرباران 9 نفر در شهر مریوان

بنابه گزارش خبرگزاری‌های داخلی و خارجی که در *17- روزنامه های کیهان و اطلاعات 4 شهریور 58 هم چاپ شده است ساعت 18 و 30 دقیقه روز 3 شهریور ماه 1358 - يك روز بعد از عیدرمضان - 9 نفر دیگر در شهر مریوان تیرباران شدند و نمایندگان دولت جمهوری اسلامی تهران برای تحویل این شهدای کرد به خانواده‌هایشان به اتهام **خائن و وطن فروش ، خواستار پول و هدیه شدند** . اسامی اعدام شده گان مریوان عبارتند از: 1- حسین مصطفی سلطانی 2- امین مصطفی سلطانی 3- احمد پیرخضری (کارمند بیمارستان) 4- حسین پیرخضری (معلم) 5- فایق عزیزی (عضو شورای شهر مریوان) 6- علی داستان (پیشمرگه) 7- بهمن اخضری (پزشک و فیلمبردار) 8- جلال نسیمی 9- احمدقادرزاده اهل روستای دره‌تقی . در همین روز روحانی مشهور آقای شیخ الاسلامی از مریوان و جمعی دیگر از مردان کردستان به استان خراسان تبعیدگردیدند .

رادیولندن در گزارش دیگر روز 25 اوت 79 میگوید: «خبرگزاری رویترز غرب ایران گزارش میدهد که ستون امدادی ارتش به سقز رسیده است و گفته شده که خط دفاعی کردها را برای ورود به شهر و پادگان محاصره شده شکسته است . سخنگوی کردها گفته است که زدوخوردهایی در شهر سقز جریان دارد . کردها میگویند که ستون امدادی ارتش دیروز وارد سقز شد اما آنها 3 تانک از 7 تانک آنها را از کار انداخته اند . خبرگزاری رویترز گوید برخلاف آنچه گزارش شده بود که شهر بانه در 60 کیلومتری سقز بدست نیروهای دولتی افتاده است این شهر هنوز در دست افراد کرد است و به عنوان ستاد فرماندهی دفتر شیخ عزالدین حسینی در آمده است . شیخ عزالدین حسینی رهبر کردها در مصاحبه ای گفت که با اخوندهای رژیم مذهبی تهران و قم مذاکره نخواهد کرد و تنها نماینده گان سیاسی حاضر به مذاکره است .» * 20 - منبع خبر روزنامه کیهان 4 شهریور 58 ص . 12 (25 اوت 79 به نقل از رادیوی بی سی .)

آنچه مسلم است اینکه در جریان یورش هزاران پاسدار و نیروهای ارتشی و حتی افراد و طلب از شهرهای مختلف ایران و تبلیغات دروغین اخوندهای شیعه در رادیو و تلویزیونها ، این مجال از کردها سلب شده بود که اخبار راستین را منعکس کنند از طرف دیگر ، نیروهای کردستان هم برنامه همکاری مشترکی نداشتند که جنبش مقاومت بهتر سازماندهی شود . قبل از ورود ماموستا شیخ عزالدین به شهر بانه ، آقای شیخ جلال حسینی رئیس شورای شهر ، نیروهای پادگان شهر بانه و ژاندارمری راخلع سلاح می کنند ، که به گفته فرمانده پادگان سقز 240 نفر بودند و مقاومت قهرمانانه چند روزه کوهستانهای بانه را سازماندهی میکند .

اجتماع رهبران و نمایندگان نیروهای سیاسی در شهر بانه

در همین روزها - روز 7 یا 8 شهریور- به دعوت دفتر ماموستا شیخ عزالدین ، نمایندگان نیروهای سیاسی که در میان آنها ماموستا شیخ عزالدین حسینی و آقایان دکتر رحمان قاسملو و مهندس فواد مصطفی سلطانی و نماینده فدائیان و اعضای شورای شهر بانه و جمعی دیگر از سیاسیون کرد شرکت داشتند ، در منزل شیخ جلال حسینی اجتماعی برای همکاری يك پروژه مشترك برگزار کردند . اما نیروهای سیاسی به توافق اصولی نرسیدند و نماینده حزب دمکرات گفت : که آنها از مهاباد با تمام قدرت دفاع میکنند . نماینده ای از شورای اجتماعی بانه به د . کتر قاسملو اعتراض می کند که چرا در سخنرانی مهاباد درباره پشتیبانی و کمک دولت بزرگ کشور همسایه مانند شوروی صحبت کرده اید ، در حالیکه جنبش

انقلابی مانوپا و خودجوش است و این بهانه‌ای برای تشویش افکار عمومی می‌باشد. این تبلیغات از جانب سران حکومتی علیه مردم کردستان دامن زده می‌شود.

از سوی دیگر سیاست سرکوب و قتل عام در کردستان از طرف دهها هزار نیروی مسلح ارتشی و پاسداران و بسیجی و به پشتیبانی صدها تانک و خودرو نظامی و فانتومها و هلیکوپترها که در مسافت‌های چند کیلومتری سرزمین کردستان مستقر هستند، ادامه دارد.

در این ماه می‌بایست کشاورزان و زارعان بهره زحمات یکساله خود را جمع کنند. اما بدنبال این یورش سراسری ویرانی و تلفات زیادی به مردم وارد شد. بسیاری از مردم فقیر و زحمتکش روستانشین با چشمان خود دیدند که خرمنهای آنها آتش گرفت و آنها نتوانستند دسترنج زحمات خود را جمع‌آوری کنند.

تیرباران 11 نفر در شهر سنندج

روز 5 شهریور ماه خلخال دوباره وارد کارزارش می‌شود. اوباش کور و گوش ناشنوا (تعصب و جمود ارتجاعی) فرمان تیرباران 11 نفر در سنندج اجرامی کند و می‌خواهد باز هم وحشت و هراس راه بیندازد. چه جنایت و قتل عام تروریستی هولناکی؟! در کدام قانون دنیا خمیها و دست و پا شکسته‌ها راحتی از امیدهند چه رسد اقدام به قتل و... مادران داغ‌دیده در کردستان باز هم ناله و زاری میکنند، اما اشک آنها همانند باران رحمت بود. زیرا ناله و فریاد آنها بعد از فداکاری خبرنگاران به گوش جهانیان رسید و در همه جا احساس همدردی و پشتیبانی شد. مسیحیان هم در خارج از کشور اعتراض کردند. هنس بلیکس وزیر خارجه سوئد این رایگ کشتار و حشیانه سیویلیزهای بی‌دفاع دانست. * 21. روزنامه اطلاعات 6.

1358 . 6



اینها تصاویر 11 نفر از تیرباران شده گان شهر سنندج است که روز 5 شهریور ماه 1358 ساعت 5 بعد از ظهر به فرمان خلخال نماینده خمینی، در حالی که 2 تن از آنها به شدت مجروح هستند، به اجرا درآمد اسامی آنها عبارتند از مظفر نیازمند، سیروس منوچهری، عیسی پیرولی، ناصر سلیمی، عبدالله فولادی، احسن ناهید، شهیاز ناهید، اصغر مبصری، مظفر رحیمی، جمیل یخچالی، عطا زندی،

وزیر خارجه اطریش هم بابازرگان قرار دیدار تعیین می‌کند. اما کورت و الداهیم در مجمع عمومی سازمان ملل زبانش لال شده است. سکرترش هم نامه‌هایی را که دکتر عصمت شریف و نلی از طرف کردها رسانده

بود ، شاید به سطل اشغال زیر پایش انداخته است .

تیرباران 20 نفر در شهر سقز

خلخالی شبانگاه روز 5 شهریور در یک پرواز آسمانی به سقز می رسد . این درحالی است که احمدمفتی زاده به کشتار و اعدام دستجمعی همشهریانش اعتراضی نمی کند. !!!

بنابه گزارش روزنامه کیهان ساعت 7 صبح روز 6 شهریور ماه 58 در شهر سقز 20 نفر در میدان پادگان شهر به فرمان خخالی نماینده و فرستاده خمینی اعدام میشوند . این حاکم فتنه انگیز و قاتل چه موقع فرصت داشت بخوابد و این محاکمه 20 نفری در کدام ساعات شروع شد؟! اوبعدا دکتر نیلوفر ی پزشک شهر را فرامی خواند و تهدید به قتل میکند. زیرا افراد زخمی را مداوا کرده است . * 22 - روزنامه کیهان و اطلاعات 7 شهریور ص.ص.3 و 29 اوت 1070)

اسامی 20 نفر از اعدام شده گان شهر سقز 7 صبح روز 6.6.1358 (29 اوت 1979) ، احمد سعیدی - قادر بهار - محمد بابامیری - رسول امینی - ناجی خورشیدی - کریم رضائی - انور اردلان - سیف اله فیضی - علی فخرایی - عبدالله بهرامی - سید حسن احدی - محمد درویش نقره ای - کریم شیرینی - ابوبکر حمیدی - احمد مقدم - جلیل جمالزاده - کشی زاده - محمد غفاری - خاطر خطیبی - ناصر حدادی -

در مقابل این اعدامها کردها اعلام قصاص می کنند . در برابر اعدام هر کردی ، اعدام یک پاسدار .

رادیو صدای امریکا روز 27 اوت میگوید: «شورشیان کرد اعلام داشتند که 6 تن از پاسداران انقلاب را اعدام کرده اند... اعدام پاسداران به تلافی اعدام کردهایی است که از طرف دادگاههای انقلاب محکوم به اعدام و تیرباران شده اند.» * 23 - منبع روزنامه کیهان 5 شهریور 1358 ص. 12 همزمان با این اعدام متقابل پشمرگان قهرمان در یک عملیات مشترک ، بامداد روز 4 شهریور ماه 58 پادگان سردشت راخلع سلاح می کنند و سلاحها و وسایل فنی میان نیروهای اتحادیه میهنی کردستان که برخلاف قیاده موقت ، دلیرانه در جنبش مقاومت شرکت کردند و حزب دمکرات کردستان و همه نیروهای دیگر تقسیم شد . این موضوع را حقگو استانداران اذربایجان و فرمانده پادگان سردشت هم به خبرنگاران گزارش دادند. * 24 - روزنامه کیهان 6 شهریور 1358 ص. 3.

به گزارش مطبوعات ، در چند روز گذشته نیروهای پشمرگه در اطراف شهرهای دیواندره ، سنندج ، مریوان عملیات پراکنده ای راه انداختند و روز 5 شهریور - 27 اوت 79 - تظاهراتی علیه اشغالگران در شهر سقز برپا شد .

تظاهرات و اعتراض در شهر سقز و مسافرت جمعی از اعضای شورای شهر مهاباد به مرکز

روزنامه های اطلاعات و کیهان در این باره مینویسند: «مردم سقز از اقدامات ارتش و جستجوی خانه به خانه برای افراد مسلح ناراحتند و میگویند که نیروهای مسلح از شهر رفته اند و بازداشت مردم عادی را درست نمیدانند . آنها همچنین از صدای مداوم فانتوم و هلیکوپترها ابراز ناراحتی می کنند . ساعت 12 روز گذشته حدود چند هزار نفر از مردم شهر سقز راهپیمایی کردند و خواستار آزادی بازداشت شده گان پادگان سقز و مجازات عاملین درگیریها شدند . عصرگاه دیروز 5 شهریور ماه خخالی (نماینده و فرستاده خمینی) به سقز آمد . هدف این سفر رسیدگی به

درگیریهای غرب کشور است. همچنین حقوقو استاندار ارومیه گفته است که 4 شهر کردنشین، مهاباد، نغده، پیرانشهر و سردشت در خطر قحطی هستند» روزنامه کیهان در ادامه گزارش خود مینویسد: «اعضای شورای انقلاب مهاباد که به تهران و قم مسافرت کرده اند. تنه‌بادفترایت اله طالقانی و هئیت دولت تماس گرفته اند. آنها 4 خواسته ارائه کرده اند. 1- پادگان مهاباد به دانشگاه تبدیل شود. دولت گفته است بعد از يك سال عملی خواهد شد. 2- عفو عمومی برای کردها. دولت گفته است اگر آنها پیشیمان شوند عفو خواهند شد. 3- بیمارستان ناتمام شهر به اتمام برسد. دولت موافقت کرده است. 4- ارتش تا يك ماه دیگر از رفتن به مهاباد خودداری کند. دولت اینرا رد کرده است چون به حاکمیت تعلق دارد. این روزنامه در بخش دیگری از گزارشش مینویسد:

قاسم لودرسخنرانی به دولت حمله کرده و گفته است که دولت خارجی دوست بزرگ، به او کمک‌هایی خواهد کرد تا زمانی که مبارزه به سرانجام برسد.» * 25- روزنامه کیهان 6 شهریور ص.ص. 1 و 3 (28 اوت 1979)

هیات شورای شهر مهاباد که از جانب حزب دمکرات و با تحریکات و دخالت‌های حزب توده به تهران فرستاده شده بود، با مطرح کردن خواسته‌های ذکر شده در آن شرایط جنگ و گریز و بمباران و اعدام‌های دستجمعی در کردستان، در واقع چیزی غیر از توهم پراکنی در میان توده‌های انقلابی کردستان نبود. چند روز بعد روحانیون شهر مهاباد نامه‌ای به رهبران ایران فرستادند که آقای ملا عبدالله حسن زاده دبیرکل پیشین حزب دمکرات هم امضا کرده بود که در جای خود به ان اشاره خواهیم کرد.

شورش در زندان تبریز

در حالیکه ارتش ایران، خلق کردستان را سرکوب میکند. روز 5 شهریور 58 در زندان تبریز شورش از جانب زندانیان برپا میشود. نیروهای پاسداران و پلیس زندان را محاصره میکنند و زندانیان را به خاک و خون میکشانند. این قیام را سرکوب میکنند. روز بعد ساعت 11 قبل از ظهر 14 نفر از این زندانیان در یک محاکمه فوری تیرباران میشوند. چند روز پیش حاجی مهدی عراقی از یاران ایت اله خمینی همراه فرزندش در خیابان ورودی به دفتر روزنامه کیهان ترور می‌شود، که سبب غم و اندوه امام خواهد شد. اما او برای قتل عام‌های دستجمعی کردستان...!!! هیچگونه احساسی ندارد.

بگزارش خبرنگار رادیو صدای امریکا در تهران: «دولت مرکزی ایران برای حمله به پایگاه شورشیان کرد نیروهای کمکی به مهاباد اعزام داشته است. نیروهای کمکی که از دوجهبه به مهاباد اعزام شده اند، حداقل 65 تانک و توپخانه سنگین و دهها زره پوش در اختیار دارند... واحدهای پادگان 28 سنندج به 4 کیلومتری مهاباد رسیده اند و هر آن امکان برخورد کردها و ارتش وجود دارد. واحدهای مزبور در انتظار نیروهای هستند که از شمال و جنوب بسوی مهاباد روانه شده اند.» * 26- روزنامه کیهان 6 شهریور 58 ص. 12 (28 اوت 79 به نقل از رادیو امریکا)

برخلاف سیاست جنگ افروزان رهبران دولت، جبهه ملی ایران که يك نیروی معتبر سیاسی در داخل کشور است و در دولت بازرگان هم وزرائی دارد، در رابطه با جنگ کردستان خواستار اعزام يك هیات حسن نیت به مناطق کردنشین شد: «این جنگ داخلی میان برادران کرد و دولت باید از راه مذاکره و تقاضای حل و فصل شود. جبهه ملی پیشنهاد می‌کند که يك هیات حسن نیت مرکب از 7 نفر از اعضای جبهه ملی و نیز 7 نفر از مردان و شخصیت‌های ملی و دولتی که از میان آنان اسامی زیر: حسن نزیه، مهندس بنی اسدی، دکتر علی اصغر حاجی

سیدجوادی ، دکترمهران ، مهندس شریعتمداری ، یحیی صادق وزیری ، مهندس رضایسنجیده ، رضائقی ، دکترعسکری ، تیمسارمجللی، دکترعابدی، محمودعنایت، انتخاب شوندمذاکراتی بارهبران محلی کردستان و دولت آغازکنندتابه عنایت خداوندزمینه خودداری ازبرادرکشی مهیاوملت ستمدیده ایران بیش ازاین شاهدکشت وکشتار نباشد»*27- روزنامه کیهان واطلاعات 7شهریور ص.12و ص.1

ازطرف دیگرجمعیت کردهای مقیم مرکزکه رئیس انهاقای صارم الدین صادق وزیری اجبارا درشهرتهران درجای امنی نگهداری می شود ، اطلاعیه ای رادرباره کردستان منتشرکرده است ودرموردبرخورد دولت به کردستان اعتراض می کندودرباره عاقبت ان هشدارمی دهد . همچنین به موج دستگیری کردهای مقیم مرکز تنهابه جرم کردبودن اعتراض وضمن اشاره به مبارزات کردهاعلیه رژیم شاه اشکارا برضد کردها درسراسر کشورتحریکات میشود.*28- روزنامه کیهان 4شهریور 58ص.12

سخنرانی طالقانی علیه مردم کردستان

روزجمعه 9شهریورماه ایت اله طالقانی که مورداحترام کردها بود ، درسخنرانی نمازجمعه شهرتهران باردیگرجنبش انقلابی کردستان راهدف سخنان خودقراردادوبه رهبران کردپرخاص کرداودرسخنرانی پیشین خودگفته بودکه همراه امام پشت تانک نشسته وبه کردستان می آید!!!شعارهای امروزدر دانشگاه تهران بدین ترتیب بود: (فرمانده کل قوا خمینی،زمینی ودریایی وهوایی - ارتش پیروز است ، چپ وراست نابود است - عزالدین حسینی ، اعدام باید گردد - حزب دمکرات را به خاک وخون می کشیم - به فرمان خمینی، بسوی وحدت - فلسطین ، فلسطین ،متحدخلق ما ، امریکا ،اسرائیل ، دشمن امت ما -) - این نمونه ای ازشعارهایی بودکه عمدتا درشهرهای شیعه نشین دیگر تکرارمی شدندواحساسات مذهبی مردم راتحریک می کردند - *29- اطلاعات وکیهان 10 شهریور 1358 ص.5

شهید شدن مهندس فواد مصطفی سلطانی رهبر انقلابی کومه‌له

امروزدهم شهریورماه برابر 1سپتامبر 79است . در24ساعت گذشته درگیریهای زیادی درنقاط مختلف کردستان روی داده است. مهمترین انهادرجاده بانه - مریوان ودیواندره وبوکان بود، که هلیکوپترچمران هم زیراتش گلوله پیشمرگان قرارمی گیرد . درروستای سوته وپاسگاه بسطام يك جنگ ودرگیری بزرگی روی میدهدکه دران یکی ازانقلابیون روشنفکرکردستان مهندس فوادمصطفی سلطانی رهبرکومه له شهیدمی شودکه مردم زحمتکش منطقه راغم وانده بزرگی فرامیگیرد. رادیوتلوویزیون تهران اورا به عنوان یکی از رهبران نامدارحزب دمکرات وسران مهاجمین معرفی میکند. نیروهای رژیم شهید شدن کاک فواد را يك پیروزی بزرگ می دانند . بیشترروزنامه‌های روزیازدهم شهریورماه این گزارش رابا اب وتاب درستونهای اول منتشر ساخته اند . دستگاههای تبلیغاتی دولتی بیشترجریانات کردستان رابه دمکراتهانسبت میدادند تا افکارعمومی راهمچنان مخدوش سازندوجنبش انقلابی ومقاومت عادلانه وقهرمانانه راوابسته به بیگانگان جلوه دهدکه گویا ازجانب کشورهای بلوک شرق وعراق هدایت میشود!!!. شهیدشدن رهبرکومه له خسارت بزرگی نه تنها برای کومه له بلکه برای کل جنبش مقاومت خلق کردبود . 6روزپیش 2برادررهبر شهیدکومه له برخلاف تعهدخلالی

به پدرشان ، همراه 7 تن دیگر در مرئیوان تیرباران می شوند . در عملیات پاسگاه بسطام چمران وزیر دفاع و معاون نخست وزیر شخصاً شرکت داشت و فانتوهای F16 منطقه را بمباران می کردند .
شهر بوکان هم در ساعت 17 و 30 دقیقه روز 10 . 6 . 1358 از جانب لشکرهای ارتش و پاسداران بعد از زد و خورد شدیدی در خارج شهر تسخیر می شود .

کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در کوبا

روز 11 شهریور ماه 15 روز از فرمان یورش به کردستان می گذرد . خلق کرد شرایط دشواری را میگذراند . شهرهای کردستان همچنانکه اشاره شد در محاصره کامل نظامی و اقتصادی شدیدی هستند . هواپیماهای جنگی روز و شب بر آسمان کردستان غرش می کنند و توپخانههای سنگین منازل و روستاها را ویران می کنند . هیچ کشوری در دنیا بصورت رسمی از کردها دفاع نمی کند . دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه در کوبا با صدام حسین برای شرکت در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در هاوانا گردآمده اند در مورد کردها به مدت 2 ساعت به طور خصوصی مذاکره می کند . فیدل کاسترو هم افکارش مشوش می شود و در سخنرانی هاوانا از خمینی تقدیر می کند . او هم مانند بسیاری از مسلمانان جهان و کشورهای کمونیستی و اروپایی تحت تاثیر قرار گرفته است خاورمیانه متشنج شده است و دولتهای عربی خلیج فارس در هراس و ترس هستند که مبادا مورد تعرض ایران قرار گیرند . از سوی دیگر بلند اجویت نخست وزیر فتنه انگیز ترکیه فریاد بلندی کند که به کردهای فراری ایران اجازه ورود نمی دهد و تهدید می کند که کردهای ترکیه حق کمک به آنها را ندارند .

البته هانی الحسن نماینده فلسطین و سرهنگ قذافی پیشنهاد می کنند که با کردها مذاکره شود . اما در داخل ایران بسیاری از مردم شیفته خمینی هستند و حاضرند در راه او فداکاری کنند . اینهم مختصری از نظرات و افکار مردم و عده ای از سیاستمداران 25 سال گذشته بود .

هاشم صباغیان وزیر کشور در یک نطق تلویزیونی ، بار دیگر به مردم مهابادی گوید: «که حساب خودشان را از خانان به ملت و فریب خورده هاجدا کنند . صباغیان هشدار میدهد که شیخ عزالدین حسینی وقاسم لودریک سخنرانی در شهر بانه ، به دولت اعلام جنگ کرده اند و گفته اند که تا آخر مقاومت می کنند.» * 30 - کیهان و اطلاعات 11 شهریور

در این شرایط که نیروهای نظامی مناطق زیادی را از کردستان تصرف کرده اند ، بزرگترین اهداف فرماندهی ارتش تسخیر شهرهای مهاباد و بانه است و لشکرهای زیادی بسوی این شهرها روانه شده اند . بنابه گزارش رادیو لندن رهبران کردها اهالی شهر مهاباد گفته اند: «که خود را برای حمله عمده ای از طرف نیروهای دولتی آماده کنند و در مقابل حملات هوایی پناهگاه بسازند.» * 31 - کیهان 11 شهریور 58 ص. 12 (2 سپتامبر 1979)

اوضاع شهر مهاباد و تلگرام روحانیون به خمینی

روز 12 شهریور 1358 آقای حبیبی نماینده روزنامه اطلاعات در مهاباد این گزارش را مخابره میکند: «دیشب شهر مهاباد در تب انتظار میسوخست زیرا حدود 20 تن از آقایان علما و نمایندگان طبقات مختلف مردم و اعضای شورای شهر در سالن شهرداری گردآمده بودند که تصمیمات مهمی اتخاذ کنند از جزئیات مذاکرات اطلاع دقیقی در دست نیست . اما بعد از پایان جلسه روحانیون به شرکت مخابرات رفتند و تلگرامهایی به تهران و دولتهای

اسلامی مخابره کردند و در انجام متحصن شدند... همچنین امروز گروهی دیگر از مردم مهاباد با پخش اطلاعیه ای اعلام کردند که اگر تا 24 ساعت دست از برادرکشی برداشته نشود بعنوان پناهنده سیاسی به یکی از کشورهای همسایه خواهند رفت. از دیشب فانتومهای نیروی هوایی در آسمان مهاباد به پرواز درآمدند و دیوار صوتی را شکستند.» * 32 - روزنامه اطلاعات 12 شهریور ماه 1358 ص. 2 (3 سپتامبر 79)

متأسفانه هیچ دسترسی به اعلامیه ای که در بالا اشاره شد، ندارم. اما نامه روحانیون مهاباد به شرح زیر است:

متن تلگرام روحانیون مهاباد به خمینی: «حضرت آیت اله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران، در نهایت تأسف و تالم مشاهده میشود ملت عزیز ایران، از سراسر کشور که در زمان انقلاب علیه رژیم طاغوتی باملت کرد که در طول تاریخ زیر انواع ستم ملی و مذهبی واقع بوده، یک صدا و یک زبان با وحدت کلمه برادر وار به پا خواسته بود. بر اثر تبلیغات شوم و اخبار ناصحیح مشتی مغرض و ناگاه ذهن رهبر عالیقدر انقلاب را علیه ملت کرد مشوب نموده و موجب گردیده علیه ملت کرد اعلام بسیج عمومی شود که اینک از سراسر کشور انواع تسلیحات سنگین و مخرب به معیت پاسداران انقلاب و مجاهدین و نیروهای مسلح ارتش جمهوری بمنظور سرکوبی ملت ستمدیده کرد اعزام و در نهایت قساوت و بی رحمی افراد غیر مسلح و بیگناه را که جرمی جز کرد بودن و سنی بودن ندارند در دادگاه اسلامی بدون محاکمه، محکوم و تیرباران مینمایند. با استتبابی که از حوادث و درگیریهای اخیر در شهرهای کردستان برای مردم این دیار حاصل شده است نتیجه ای جز انهدام و نابودی این مرز و بوم نداشته، بنابراین مردم چاره ای جز درگیری ناخواسته و دفاع از جان و ناموس خود ندارند. بنابه مراتب، علمای اهل سنت در این منطقه بالاتفاق استدعا دارند رهبر انقلاب هر چه زودتر دستور توقف نیروهای اعزامی را صادر و از طریق تقبل مذاکره با جامعه روحانیت و رهبر ملت کرد مسئله کردستان از جهت سیاسی و ملی و مذهبی حل و از برادرکشی که در این دیار بیشتر و برای مردم سراسر کشور فاجعه امیز خواهد بود، جلوگیری نمایند. جامعه روحانیت و نماینده اقشار مهاباد تا حصول دستور و نتیجه قطعی در اداره مخابرات شهرستان مهاباد متحصن خواهند شد. ! - امام جماعت مسجد مولوی، ملا کریم شاریکندی - مصطفی پور انزلی - 2 - امام جماعت مسجد رستم بگ، ملا عبدالله مدرسی 3 - امام جماعت مسجد داروغه، ملا احمد اشرفی 4 - امام جماعت مسجد گمرگ، ملا سلیم عباسی 5 - امام جماعت مسجد حاجی احمد، ملا عزیز تابدید 6 - امام جماعت مسجد قبله و واعظ شهر، ملا عبدالله احمدیان 7 - امام جماعت مسجد حاجی سید حسن، ملا احمد فرهنگ 8 - امام جماعت مسجد حاج سید محمد حسینی، ملا عمر شاهین 9 - امام جماعت مسجد عباس اقا، ملا سید عبدالله سعادت 10 - امام جماعت مسجد دارالاحسان، ملا احمد عباسی 11 - امام جماعت مسجد حسن زاده، ملا احمد محمد پور 12 - امام جماعت مسجد سید نظام الدین، ملا عبدالله ماورانی 13 - امام جماعت مسجد خانقاه، ملا عبدالقادر عباسی 14 - امام جماعت مسجد کوپن آباد، ملا عبدالله حسن زاده 15 - امام جماعت مسجد بازار و رئیس مدرسه علوم دینی، ملا محمود سالکی 16 - ملا محمد قادر زاده 17 - امام جماعت مسجد غوثیه، سید محی الدین مطهری 18 - امام جماعت خانقاشمزین، ملا حسین ایونی 19 - امام جماعت خانقاه نقشبندی، ملا سید هاشم حسینی 11. 6. 1358 مهاباد (2 سپتامبر 1979)»

جوانیه خمینی به نامه روحانیون مهاباد

برخلاف تمجید روحانیون مهاباد از آقای خمینی و توهم و حسن نیت آنها برای آغاز مذاکره بعد از این همه کشتار در شهرهای کردستان، خمینی جواب شدیدالحن و مذورانده ای را برای آنها روانه ساخت و این در همان روزی بود که فانتوها شهر مهاباد را بمباران میکردند و روز گذشته نظامیان جنایت هولناکی را در روستای "قارنه" نقده مرتکب شده بودند. متن این بیانیه که در مطبوعات 13 شهریور 58 چاپ شده، بدین شرح است.

«امروز تلگرامی با قید فوریت با اسم و امضا 19 نفر از ائمه جماعت که رونوشت آن برای 15 مقام فرستاده شده است از مهاباد واصل شد که در آن اظهار تاسف شده، که اینجانب بواسطه تبلیغات سوء بر ضد کردها و اهل تسنن بسیج عمومی نموده ام. من با اینکه میدانم علمای کردستان در مهاباد و سایر شهرستانها واقعه را انطور که هست میدانند و پرواضح است که سران اشرار با جعل، امضا با اسم علمان نموده اند و یا علمای جماعت را الزام با مضا نموده اند. معذالك لازم است برای چندمین بار به استحضار علمای اعلام کردستانی و سایر طبقات برسانم. این سران خائن چون خود را شکست خورده و مورد تنفر ملت ایران میدانند، دست به این تشبثات واهی زده اند. از اول پیروزی انقلاب تا کنون در هر موقعی که پیش امد اعلام کردیم که در اسلام کرد، ترک، فارس، بلوچ، عرب، لر و ترکمن و غیر اینها مطرح نیست. اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروهها را با عدالت و عدالت اسلامی ادا خواهد کرد. در عین حال این خائنان به ایران، خصوصاً کردستان دست از خیانت و جنایت برنداشته و طرحهای مسالمت امیز را با اسلحه هایی که از کشورهای خارجی و یا از غارتگری بدست آورده اند، جواب داده اند و برادران ما را که برای حفاظت برادران کردستانی خود بسیج شده بودند با کمال بی رحمی و قساوت به آتش کشیدند و سر بریدند حتی به برادران کردستانی و کسانی که برای جهاد سازندگی و کمک به کردستان آمده بودند، رحم نکردند و آنان را اعدام کردند. مابه این اشرار میگوئیم اگر ما بر ضد کردها بسیج عمومی نموده ایم چرا در شهرستانهای کردستان مثل نقده و سنندج و پاوه و دیگر جاها پس از پاکسازی از اشرار به غیر از برادری اسلامی رفتار نشده است و چرا برادران کردستانی ما زارتش و پاسداران و سایر قوای انتظامی استقبال پر شور و با اغوش باز آنان را پذیرفتند و چرا ما گروهها را برای بازسازی امنطقه فرستادیم که حوایج برادران اهل سنت را برآورده کرده و با تمام امکان و وسایل اسایش و رفاه آنان را فراهم کنند. ای ما برادران اهل سنت را دشمن میدانیم که بارها و بارها اعلام کرده ایم که فرقی بین این دو فرقه نیست. ماکه تصمیم گرفته ایم ان سامان را به بهترین وجه اباد کنیم و مقدماتش را فراهم کرده ایم. با کرد مخالفیم!! یا شما که اسلحه بدست گرفته اید و به هیچ چیز و هیچ کس رحم نمیکنید طرفدار کردهستید؟ ما بسیج عمومی اگر بکنیم برای پشتیبانی از برادران کردستانی و استخلاص آنها از اشرار است و بخواست خداوند متعال شرانان را بزودی رفع و سران خائن را شدیداً به جزای اعمالشان رسانده و با برادران کرد حتی انانی که در حزب منحلہ دمکرات داخل شده اند اگر به اغوش ملت برگردند با برادری و برابری رفتار میکنیم و همه در پناه اسلام هستند و خواهند بود. والسلام علی عباداله الصالحین 12. 6. 58 روح اله الموسوی الخمينی» * 33 - کیهان 13 شهریور 58 ص 12.

در این جوابیه، خمینی با کوردلی و تعصب و عصیان جنگ افروزانه اش اشکارا همه تلاشهای سیاسی نیروهای سازشکار را هم نفرین میکند. اما او در ماههای بعد که انتفاصه و خروش عمومی مردم شهرهای

کردستان و مقاومت پیشمرگان راه افتاد ، نمایندگانش را اجبار ادركوهستانها پیش همان رهبرانی میفرستد که او گفته بود فاسدوخانندوبایدبه سزای اعمالشان برسند . آقای خمینی در اوضاع و شرایطی در این بیانیه با روحانیون مهابادحرف میزند که روز گذشته 11 شهریور 58 (2 سپتامبر) لشکریانش در روستای "قارنه" جنایتی وحشتناک و هولناک را مرتکب شدند . اما در بیانیه اش هیچ اشاره ای باین فاجعه نمیکند . این بود امکانات اسایش و رفاه برادران اهل تسنن که او از آن سخن میگفت!!!

جنایت هولناک و فاجعه روستای قارنه

قبل از اینکه مرور کوتاهی به ماجرای "قارنه" داشته باشم ، لازم میدانم اشاره کنم که: (در 24 ساعت گذشته اوضاع بخش شمالی کردستان اطراف دریاچه ارومیه میدان جنگ و درگیریهای زیادی میان پیشمرگان و نیروهای نظامی بود که بوسیله فانتوم و هلیکوپترهای جنگی پشتیبانی میشدند . در همین روز در شهر سلماس حکومت نظامی اعلام گردید و شهر پیرانشهر هم از طرف ارتش تسخیر و اشغال گردید . در این هنگام يك کامیون نظامی نیز در گردنه دواب "جاده پیرانشهر- نقده" بر اثر پرتاب يك نارنجك از طرف پیشمرگان کرد که مسئول انهايك فرمانده حزب دمکرات کردستان بود منفجر میشود که در جریان آن از میان 18 نفر سرنشین 15 نفر کشته و 3 نفر دیگر زخمی میشوند که بعد از انتقال کشته و زخمیها به بیمارستان نقده اوضاع شهر متشنج میشود.) *34- روزنامه کیهان 12 شهریور 58 ص. 11

روز 11 شهریور 1358 «2 سپتامبر 1979» «نیروهای جنایتکار دولتی بزمزارع و داخل روستای "قارنه" یورش میبرند و به قتل عام مردم بیدفاع میپردازند . دستگاههای تبلیغاتی دولتی تادمتها کوشیدند که اخبار این جنایت را پنهان کنند اما به دنبال اعتراض پیگیر مردم منطقه ، نخست وزیر کشور هیأتی را مأمور بررسی این جنایت وحشتناک نمود!!! که تاکنون حدود یک ربع قرن تحقیقات هنوز ادامه دارد!!!**انگاہی به تصاویر این جنازها نفرت و کینه و احساسات تاثیر امیز قلب هر انسان شریفی را تکان خواهد داد .** جای خوشحالی است که مبارزان کرد به مناسبتهای مختلف یادشیدان این جنایت هولناک را فراموش نخواهند کرد و بویژه در خارج از کشور به مناسبتهایی اکیونهایی برگزار می کنند .

همچنین از سوی سازمانهای سیاسی کردستانی و ایرانی بارها مطالبی بدین مناسبت ثبت گردیده است . من در اینجا به نوشته آقای ملا عبدالله حسن زاده از مسئولان حزب دمکرات کردستان که در کتاب 50 سال مبارزه به ان اشاره کرده است ، اکتفا خواهم کرد . در این کتاب آمده است: «**جنایت روز 11 شهریور در روستای "قارنه"** نمونه ای واضح از سیاستهای ضد انسانی در مورد مردم کردستان بود... مردم بیدفاع روستا در مزارع و کشتزار و داخل ده سرگرم کارهای روزانه خودشان بودند . چون هیچ پیشمرگه ای در آن نزدیکی نبود ، با مشاهده کردن نیروهای دولتی احساس نگرانی نکردند . اما هنگامیکه از بالای تپه ها و بلندیهای اطراف روستا گلوله باران شروع شد ، به وحشت افتادند و شتابان به طرف روستا و میان خانواده شان راه افتادند . بعد از مدتی چند تانک و ماشین به ابادی نزدیک شدند و در حالیکه تفنگ ژ-3 و قومه همراه داشتند و از رخسار پاسداران و افراد کمیته تعصب ، نفرت و تشنه به خون ظاهر بود ، در کوچه و پس کوچه ها پراکنده شدند . ملامحمود روحانی روستا بزودی متوجه نیت آنها شد . او قرآن بالای تاخچه اش را پائین آورد و بطرف آنها روانه شد . اما احترام به قرآن و

جواب سلام ملا ، گلوله باران بر روی سینه اش بود . مردم روستادگر راه فرار و مخفیگاه رانداشتند . گروههای جنایتکار به منازل یورش آوردند . در دیوار را گلوله باران میکردند و هر کسی را از پیرو جوان با ضربات قونداغ تفنگ از خانه بیرون آورده ، در جلو خانه ها ، در کوچه ها و جلودروازه مسجد ، در خون ریخته شده می غلطیدند . آنها بعد از چند ساعت کشتار انگار در دلشان سکنی گرفته و لاشه های تکه تکه شده 68 انسان در کوچه ها و منازل روستای اغشته به خون افتاده بودند . بعد از این فرمان شریعت!!! سربازان اسلام برای گرفتن هدیه بسوی بارگاه فرمانروایانشان رجوع کردند و این در شرایطی بود که "قارنه" در غم و اندوه و خون میغلطید. « * 35 - 50 سال مبارزه ص.ص. 146 - 147 نوشته : عبدالله حسن زاده

درباره شهیدان این جنایت متأسفانه فقط اسامی 54 نفر برای جمع اوری شده است : 1 - ملا محمود بهتر زاده 2 - سید رحمان طاهری 3 - سید محمد طاهری 4 - سید اسماعیل طاهری 5 - حاج سید علی طاهری 6 - سید کریم اروندی 7 - امینه شریفی اذر 8 - حاجی رحمان شریفی اذر 9 - عثمان شریفی اذر 10 - مصطفی عزیز یزی 11 - محمد عزیز یزی 12 - محی الدین ابرو شن 13 - حاج شریف ابرو شن 14 - رحمان ایزن 15 - رحمان سلیمانی 16 - رحیم سلیمانی 17 - کریم سلیمانی 18 - قادر سلیمانی 19 - عبدالله احمد پور 20 - عمر باسی 21 - جعفر باسی 22 - مصطفی باسی 23 - محمد شیرو 24 - سلیمان همزه پور 25 - ابراهیم پویا 26 - ابراهیم رسولی 27 - علی چوپان روستا 28 - حسن نوجوان 13 ساله 29 - زینب رامین 30 - خانم خاتوزین رامین 31 - کریم رامین 32 - احمد رامین 33 - رحمان رامین 34 - خسرو افشین 35 - رسول خسروی 36 - رحمان خسروی 37 - سعید خسروی 38 - عبدالله خسروی 39 - مراد خسروی 40 - مصطفی خسروی 41 - ابوبکر شیشمان 42 - جعفر شیشمان 43 - علی شیشمان 44 - عزیز مرزنگ 45 - احمد سعادت پور

همچنانکه قبلاً اشاره کردم ، نماینده گان دولت جمهوری اسلامی ایران کوشش کردند که جنایت و فاجعه "قارنه" را سرپوش نگه دارند . اما چند هفته بعد از این قتل عام ، روزنامه کیهان در تاریخ 30 شهریور ماه 1358 در این مورد می نویسد: «در پی حادثه فجیع روستای "قارنه" که منجر به قتل 68 نفر شد ، هیات اعزامی از سوی نخست وزیر ، استاندار اذربایجان غربی و حاجی ملا صالح رحیمی به این روستا ، گزارشی تقدیم مقامات کرد . استاندار نیز اعلام کرد که عاملان این حادثه تسلیم دادگاه انقلاب خواهند شد . 11 شهریور ماه گذشته در پی حمله افراد مسلح حزب منحل دموکرات به کامیون حامل جوان مردان پادگان جلدیان که 15 نفر کشته شدند ، گروهی از بستگان این حادثه برای انتقامجویی به قریه "قارنه" در منطقه دواب حمله کردند و 46 (68) روستایی ، به قتل رسیدند و بازمانده گان این حادثه به نقاط کوهستانی "بوداغ" گریختند . حقگوا استاندار اذربایجان اعلام کرد که مسبب این حادثه دستگیر و مجازات خواهند شد . سپس هیاتی مرکب از حکیم نژادی از سوی نخست وزیر ، محمد باقر هاشمی از سوی استاندار و عبدالله رحیمی برادر حاج ملا صالح باین روستا اعزیمت شد و پس از تماس با روستائیان و تحقیق پیرامون حادثه فجیع گزارش خود را تسلیم نخست وزیر و استانداری کردند » * 36 - روزنامه کیهان 30 شهریور 1358 ص.4 « 21 سپتامبر 79 »

لازم به یادآوری است که بعد از جنایاتی از این قبیل در روستاها و بخشهای دیگر مانند "قه لاتان ، سروکانی ، ایندرقاش ، منطقه چومی مجیدخان" و... تکرار گردید . ادامه دارد .

اشغال و تسخیر شهر مهاباد (3)

منصور بلوری مردادماه 1383 (اوت 2004)